«تونـــــل»، حربه تازه رژیم صهیونیستی برای فرار از شکست

عملیات سپر شمال یا سپر نتانیاهو؟!

■ فریده شریفی

عملیات سپر شمال که توسط بولدوزرهای اسرائیلی برای تخریب تونل‌هایی که گفته می‌شود از سوی رزمندگان حزب‌الله در مرزهای‌اشغالی حفر شده، هفته گذشته آغاز و بلافاصله به تیتر یک بسیاری از رسانه‌های منطقه و فرا منطقه‌ای تبدیل شده است. همه نگاه‌ها به سمت رژیم صهیونیستی و هراسی جلب شده که صهیونیست‌ها به واکنش احتمالی حزب‌الله لبنان به این عملیات دارند. در عملیات سپر شمال، ارتش رژیم صهیونیستی شمار زیادی از تجهیزات نظامی و نیروهای خود را در مرزهای شمالی مستقر و این منطقه را، منطقه بسته نظامی اعلام کرده است. تحلیلگران و کارشناسان سیاسی و نظامی از خود می‌پرسند علت شروع این عملیات و ماجراجویی‌های رژیم صهیونیستی چیست وسران تل‌آویو چه نقشه‌ای در سر دارند؟ این در حالی است که رژیم صهیونیستی از رسانه‌های داخلی خواسته به هیچ وجه در مورد این عملیات اظهارنظر نکنند. این عملیات با مخالفانی در اراضی‌اشغالی نیز مواجه است؛ از «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ مستعفی رژیم صهیونیستی می‌توان به عنوان یکی از مخالفان برجسته این عملیات یاد کرد. وی در این خصوص گفته که در حال حاضر باید متوجه خطر غزه بود و نه لبنان.

زمزمه‌های نگرانی فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی از هرگونه واکنش احتمالی حزب‌الله لبنان به عملیات سپر شمال ، از گوشه و کنار نیز به گوش می‌رسد. به عنوان نمونه «عاموس یدلین» رئیس‌سابق سازمان اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی فاش کرد که این رژیم نگران واکنش حزب‌الله به عملیات سپر شمال در مرزهای شمالی فلسطین‌اشغالی است، چراکه این هراس وجود دارد که حزب‌الله عملیات سپر شمال را یک اقدام خصمانه علیه لبنان بداند و بخواهد به آن واکنش نشان دهد.

نگرانی صهیونیست‌ها از هرگونه واکنش احتمالی حزب‌الله لبنان زمانی بیشتر شد که «حسن حب الله» عضو شورای سیاسی حزب‌الله لبنان تاکید کرد که مقاومت در آمادگی کامل قرار داشته و هرگونه تحرک دشمن صهیونیستی در تمامی جبهه‌ها را تحت نظر دارد. به گفته وی رژیم صهیونیستی خوب می‌داند دورانی که حمله می‌کرد و زمام امور را در دست داشت، به سر آمده و مقاومت امروز قادر است در برابر هرگونه تجاوز این رژیم بایستد و ضربات سختی به آن وارد کند، همانگونه که در تجاوز اخیر علیه غزه در اواسط ماه نوامبر (آبان) گذشته که از آن با عنوان جنگ دو روزه نام برده شده، مقاومت شکست سختی به دشمن صهیونیستی داده است. در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۵۱ روزه و جنگ‌های قبل از آن نیز دشمن صهیونیستی با شکست و آبروریزی از میدان خارج شد. وی اظهار داشت که مقاومت یک زنجیره پیوسته است و نمی‌توان مقاومت در غزه و لبنان را از هم جدا کرد، زیرا دشمن یکی است و مقاومت هم یکی است، هرچند نبرد با این دشمن در جبهه‌های مختلف انجام می‌گیرد، اما حزب‌الله هرگز اجازه نمی‌دهد دشمن صهیونیستی علیه یکی از جبهه‌های مقاومت دست به تجاوز بزند و تصمیم‌گیری در این زمینه بر عهده فرماندهان میدانی است.

واقعیت این است که رژیم صهیونیستی پس از شکست سنگین در برابر گروه‌های مقاومت اسلامی در اراضی‌اشغالی فلسطین، تحت هیچ شرایطی، در حال حاضر آمادگی پذیرش شکستی سنگین از حزب‌الله لبنان در جبهه شمالی را ندارد. به همین دلیل رژیم صهیونیستی در طول روزهای گذشته جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای سنگینی را علیه مقاومت اسلامی، دولت و مردم لبنان به راه انداخته است، هدف از این حمله همه‌جانبه همان سیاست «فرار رو به‌جلوی» نتانیاهو است تا بتواند تبعات هر یک از اقداماتش را بر دوش دولت لبنان انداخته و از آن فرار کند.

تحلیلگران عوامل متعددی را برای آغاز عملیات سپر شمال و متوسل شدن به این عملیات نمایشی عنوان کرده‌اند که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

هراس از بازگشایی جبهه جولان توسط حزب‌الله

از نگاه کارشناسان یکی از علل و عوامل مهم

رژیم صهیونیستی با متشـنج ساختن اوضاع جبهه شمالی، در صدد است که یک آشوب سیاسی بین‌المللی را علیه حزب‌الله لبنان به راه بیندازد تا به زعـم خود با یک تیر، دو هدف را نشـانه رفته باشد، اول اینکه افکار عمومی خیلی زود شکست مفتضحانه تل‌آویو در برابر مقاومت در غزه را فراموش کنند و دوم آنکه بحران‌های داخلی او در اراضی‌اشغالی ازجمله ناکارآمدی نظامی ـ امنیتی و همچنین دست داشـتن در پرونده‌های فساد مالی، از کانون توجهات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خارج شود.

آغاز عملیات خصمانه «سپر شمال» توسط رژیم صهیونیستی در مرزهای لبنان، مطرح شدن زمزمه‌ها مربوط به بازگشایی جبهه جولان توسط نیروهای مقاومت سوری با حضور قدرتمندانه حزب‌الله است. صهیونیست‌ها در طول سال‌هایی که ازاشغالی بلندی‌های استراتژیک جولان می‌گذرد بارها نشان داده‌اند که با چنگ و دندان حاضرند از منطقه تحت‌اشغال خود محافظت کنند و آن را از دست ندهند. لذا انتشار گزارش‌های متعدد از آمادگی حزب‌الله برای بازگشایی جبهه جولان جهت آزادسازی آن، موج عظیمی از ترس و وحشت را در صهیونیست‌ها ایجاد کرده است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی با آغاز عملیات تجاوزکارانه سپر شمال در مرزهای لبنان، در واقع به دنبال باج خواهی از سران مقاومت و در راس آنها سید حسن نصرالله است تا بدین ترتیب، حزب‌الله از ورود به عملیات قریب‌الوقوع آزادسازی جولان صرف نظر کند. این درحالی است که صهیونیست‌ها بازهم‌اشتباه راهبردی فاحشی را مرتکب شده و در طول سالیان گذشته به این واقعیت پی نبرده‌اند که مقاومت تحت هیچ شرایطی اهل باج‌دهی به دشمن صهیونیستی نیست، کما اینکه هیچگاه چنین اقدامی نکرده است. بنابراین، واضح است که معادله «جولان در برابر محور شمالی» به جایی نخواهد رسید.

متشنج کردن اوضاع جبهه شمالی

باتوجه به وضعیت حال حاضر رژیم صهیونیستی، این رژیم آمادگی ورود به نبردی دیگر با مقاومت و پذیرش شکستی سخت‌تر از گذشته را ندارد. لذا بسیار بعید به نظر می‌رسد که مقامات رژیم صهیونیستی حداقل در برهه کنونی قصد ورود به نبرد مستقیم با حزب‌الله لبنان را داشته باشند. برهمین اساس، به نظر می‌رسد که نا آرام کردن جبهه شمالی هدف اصلی و اساسی صهیونیسم از عملیات تجاوزکارانه «سپر شمال» باشد. در واقع، رژیم صهیونیستی با انجام این عملیات و طرح ادعاهای مضحک همچون کشف تونل‌های عریض و طویل متعلق به حزب‌الله، به نوعی قصد دارد اوضاع جبهه شمالی را متشنج سازد.

فرار از فشار افکار عمومی

جنگ دو روزه میان صهیونیست‌ها و جنبش حماس درتاریخ ۲۲ آبان ماه و شکست مفتضحانه این رژیم و قبول آتش بس سریع از سوی متجاوزین که تاکنون سابقه نداشته، از دیگر علل عملیات سپر شمال است. رژیم صهیونیستی با حمله به غزه، دست‌کم هفت نفر از نیروهای مقاومت فلسطین از جمله «نورالدین محمد سلامه برکه» از فرماندهان گردان‌های شهید عزالدین قسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» را به شهادت رساند و نیروهای مقاومت فلسطین نیز در واکنش به حملات صهیونیست‌ها به باریکه غزه، بیش از ۴۷۰ موشک به مناطق اشغالی شلیک کردند که در نتیجه آن، دست کم سه صهیونیست کشته و درحدود ۹۰ نفر مجروح شدند، همچنین هزاران نفر از شهرک‌نشینان در اطراف باریکه غزه مجبور به فرار شدند. در پی این حملات موشکی که سامانه دفاعی گنبد آهنین هم نتوانست آنها را ردگیری و منهدم کند صهیونیست‌ها بلافاصله دست به دامان دولت مصر شده و خواستار آتش بس شدند. پیامد عملیات اخیر نوار غزه برای رژیم صهیونیستی هم شکست سیاسی بود و هم شکست نظامی. چرا که از یک‌سو عملیات رهایش شیخ نور برکه در خان یونس با کشته شدن فرمانده ارشد اسرائیلی‌ها و زخمی شدن دیگر همراهان تیم ترور مواجه شد و از سوی دیگر، پیامد سیاسی این عملیات استعفای دو وزیر و تشدید اختلافات درون کابینه‌ای بود. اظهارات لیبرمن مستعفی نیز جالب توجه است. «هیچ‌کس نمی‌تواند با توسل به زور حماس را سرنگون کند». این اظهارات بر شکست سیاسی و نظامی اسرائیل و اختلافات جدی داخلی تاکید دارد.

به همین دلیل «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با متشنج ساختن اوضاع جبهه شمالی، در صدد است که یک آشوب سیاسی بین‌المللی را علیه حزب‌الله لبنان به راه بیندازد تا به زعم خود با یک تیر، دو هدف را نشانه رفته باشد، اول اینکه افکار عمومی خیلی زود شکست مفتضحانه تل‌آویو در برابر مقاومت در غزه را فراموش کنند و دوم آنکه بحران‌های داخلی او در اراضی‌اشغالی ازجمله ناکارآمدی نظامی ـ امنیتی و همچنین دست داشتن در پرونده‌های فساد مالی، از کانون توجهات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خارج شود. در همین رابطه اعضای کابینه امنیتی معتقدند نتانیاهو در بحث عملیات نظامی سپر شمالی ، در تلاش برای بزرگ جلوه دادن آن و از طرفی به فراموشی رساندن مسائل مهم دیگر است. تحلیلگران صهیونیست نیز معتقدند نتانیاهو تلاش دارد با این اقدام پرونده‌های متعدد فساد خود را به بوته فراموشی سپرده و افکار عمومی را به سوی مسائل جدید منحرف کند. نتانیاهو حداقل در دو پرونده مالی به رشوه خواری و فساد متهم شده که در صورت اثبات، زندان طویل المدت برای او به همراه دارد. پرونده ۱۰۰۰ مربوط به هدایایی است که نتانیاهو و خانواده‌اش از بازرگانان خارجی به صورت غیرقانونی دریافت کرده‌اند. این هدایا به ویژه از سوی «آرنون میلچن» میلیاردر آمریکایی دریافت شده و شامل قوطی‌های سیگار فاخر برای نتانیاهو بوده است. ساره همسر وی نیز بهترین انواع مشروبات الکلی و جواهرات را دریافت کرده است. این هدایا طی سالیان طولانی ادامه داشته و ارزش آنها به صدها هزار شکل(واحد پول رژیم صهیونیستی) می‌رسد. پرونده ۲۰۰۰ نیز مربوط به اتهامات مطرح شده درخصوص تبادل رشوه بین نتانیاهو و ناشر روزنامه یدیعوت آحارونوت است که در مجموعه‌ای از دیدارهای ثبت شده بین دو نفر رد و بدل شده است. این رشوه مربوط به پوشش نتانیاهو در این روزنامه بوده و توافقی در این خصوص به دست آمده و قرار شده چهره‌ای مثبت و خوب از نتانیاهو ارائه شود و در مقابل نتانیاهو نیز از این روزنامه در برابر روزنامه صهیونیستی اسرائیل الیوم حمایت کرده یا برای جلوگیری از صدور هفته نامه این روزنامه وارد عمل شود. از زمان ورود روزنامه صهیونیستی اسرائیل الیوم، فروش یدیعوت آحارونوت که زمانی پرتیراژترین روزنامه سرزمین‌های‌اشغالی بود، به صورت قابل توجهی کاهش پیدا کرده است.

کارشناسان مسائل داخلی رژیم صهیونیستی معتقدند اگر اتهامات نتانیاهو در دادگاه اثبات شود، ممکن است باعث به زندان افتادن وی شود. شبکه ۱۰ تلویزیون رژیم صهیونیستی نیز در گزارشی اعلام کرد که که پرونده‌های مربوط به نتانیاهو در صورت اثبات باعث زندانی شدن طولانی مدت وی می‌شود.

بهانه وجود خطر ایران در مرزهای شمالی

یکی دیگر از عوامل انجام عملیات سپر شمال، ادعای نتانیاهو مبنی بر مهار خطر حزب‌الله و ممانعت از حضور ایران در مرزهای شمالی است. نتانیاهو مدعی شده که هدف حزب‌الله از ایجاد تونل‌هایی در مرزهای اسرائیل ورود عوامل مقاومت به داخل اراضی اسرائیل بوده و این بخشی از طرح گسترده برای‌اشغال منطقه الجلیل است. وی همچنین مدعی شد که تعداد نیروهای ایرانی در سوریه و در نزدیکی مرز با اسرائیل به دلیل عملیات ارتش کاهش یافته است.

گادی آیزنکوت رئیس‌ستاد مشترک نیز در همین رابطه بر ادامه اهمیت عملیات سپر شمال تاکید و ادعا می‌کند که هدف از این عملیات مهار خطر حزب‌الله و ممانعت از موضع گیری ایران در مرزهای شمالی است. کارشناسان نظامی اسرائیل نیز با توجه به نوع و برد موشک‌های بالستیک ایرانی هشدار داده‌اند که درصورت مستقر شدن ایران در مرزهای لبنان، هر نقطه از سرزمین‌های

به گفته برخی از رسانه‌های رژیم صهیونیستی، آنچه در شمال فلسطین می‌گذرد عملیات سپر شمال نیست، بلکه «سپر نتانیاهو» است، به باور آنها نخست‌وزیر این رژیم دنبال این است که با علم کردن یک بحران، از بحران‌های مالی، قضایی و انتخاباتی به سلامت عبور کند.

اشغالی با خاک یکسان خواهد شد. «عاموس یادلین» تحلیلگر صهیونیست نیز گزارشی در روزنامه معاریو به چاپ رساند وخاطر نشان کرد که باید سطح آمادگی ارتش را به خاطر ترس از واکنش نظامی جنبش حزب‌الله لبنان در سایه تلاش‌های ایران برای تشدید اوضاع در منطقه بالا برد.

ماجرای تونل

کارشناسان نظامی و سیاسی به استدلال جالبی در این مورداشاره می‌کنند و می‌گویند اگر به مهندسی عالی تونل‌ها نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که حزب‌الله می‌تواند این تونل را طی یک یا دو روز حفاری کند. همه آن چیزی که صهیونیست‌ها توانسته‌اند انجام دهند کشف یک تونل ۲۰۰ متری است که ۴۰ متر آن در آن سوی مرزها یعنی مرزهای فلسطین اشغالی قرار دارد. بنا براین ماجرای حفرتونل مسئله منحصر به فرد و چیز تازه‌ای نیست بلکه در شرایط کنونی سران رژیم صهیونیستی و به ویژه شخص نتانیاهو تصمیم گرفته از این دستاویز برای اهداف خود استفاده نماید. اما آنچه در این میان اسرائیلی‌ها را عصبانی کرده است، سکوت حزب‌الله لبنان و شخص دبیرکل آن در برابر این حرکت نمایشی اسرائیل در مرزهای جنوبی لبنان است. صهیونیست‌ها معتقدند توان بازدارندگی شگفت انگیز حزب‌الله لبنان که هنوز هم از قابلیت تخریب و ویرانگری قدرتمندی برخوردار است و ۱۵۰ هزار موشک در اختیار دارد آنچنان اعتمادی در حزب‌الله ایجاد کرده که هر زمان اراده کنند خود را آماده نبرد با اسرائیل می‌بینند. صهیونیست‌ها به عینه مشاهده کرده‌اند که رزمندگان مقاومت در آمادگی ۱۰۰درصدی برای مقابله با ورود (نظامیان صهیونیست) به خاک لبنان هستند و این بیشتر باعث وحشت آنها شده است. به‌نظر می‌رسد که تونل‌ها بهانه‌ای برای یک عملیات گسترده‌تر باشد و آن نیز چیزی جز حمله به زیرساخت‌های لبنان و به ادعای نتانیاهو، انبارهای موشکی حزب‌الله نیست.

از تابستان سال گذشته ارتش عبری رزمایش‌های مختلفی را در بلندهای الجلیل در شمال فلسطین اشغالی برگزار کرده است. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی نیز تلاش کردند تا با کمک گرفتن از جاسوس‌های خود در جنوب لبنان، ردی از این تونل‌ها را پیدا کنند. اما در طول ده‌ها کیلومتر مرز مشترک میان لبنان و فلسطین‌اشغالی، پیدا کردن تعدادی تونل، واقعا کار سختی است و به‌نظر می‌رسد نخست‌وزیر این رژیم زودتر از آن چیزی که انتظارش می‌رفت به انتشار خبر کشف و انهدام یک تونل دست زده است. این مسئله البته به شرایط داخلی نتانیاهو و مسائل و مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کند، باز می‌گردد. به گفته برخی از رسانه‌های رژیم صهیونیستی، آنچه در شمال فلسطین می‌گذرد عملیات سپر شمال نیست، بلکه «سپر نتانیاهو» است، به باور آنها نخست‌وزیر این رژیم دنبال این است که با علم کردن یک بحران، از بحران‌های مالی، قضایی و انتخاباتی به سلامت عبور کند. تحلیلگران معتقدند اگر نتانیاهو فکر کرده که در غزه آتش‌بس برقرار شده و در صورت حمله به لبنان، مقاومت فلسطین ساکت می‌نشیند، سخت دراشتباه است، هر حمله‌ای می‌تواند زنجیره محور مقاومت را به حرکت در بیاورد و این شامل سوریه نیز می‌شود، این تصمیمی است که فرماندهان مقاومت درباره آن تصمیم می‌گیرند و بدون شک عملیاتی خواهد شد. بدون شک مقامات رژیم صهیونیستی نیزاین برداشت‌ها را داشته و دارند، آنها نمی‌دانند که چگونه باید با این مسئله برخورد کنند چرا که باوجود شناسایی یک تونل نمی‌شود گفت رژیم صهیونیستی توانسته همه چیز را کشف کند. اینکه صهیونیست‌ها چگونه می‌خواهند بقیه تونل‌ها را پیدا کنند، باید منتظر ماند، اما مقاومت با هوشیاری کامل مسائل را زیر نظر دارد و با کسی و طرفی نیز شوخی نداشته و ندارد. هر رفتاراشتباهی می‌تواند جرقه یک جنگ سخت باشد که آخرش هم از آغاز معلوم بوده و آن هم پیروزی مقاومت اسلامی است.

منابع: تسنیم، قدسنا

جلیقه زردها پشت دیوارهای کاخ الیزه فرانسه

فرانسه این روزها درگیر شورش‌های خیابانی شده و معترضان حتی به پشت کاخ الیزه نیز رسیده‌اند. محور اصلی اعتراضات، گروهی موسوم به جلیقه زردها هستند. جنبش جلیقه زردها یک ماه پیش در اعتراض به افزایش قیمت سوخت در فرانسه شکل گرفت این جنبش در شنبه ۲۶ آبان با نخستین حضور خیابانی خود فرانسه را به لرزه درآورد و در بیش از ۱۰۰۰ نقطه اعضای این جنبش با بستن خیابان‌ها و بزرگراه‌ها قدرت خود را به رخ امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه کشیدند. با ادامه اعتراضات زد و خوردها بین پلیس و معترضان نیز به اوج خود رسید که این درگیری‌ها تاکنون بیش از چهارهزار دستگیری و زخمی بر جای گذاشته. ماکرون که با شروع این اعتراض‌ها محبوبیتش به ۲۵ درصد رسیده بود با خشم و عصبانیت تهدید کرد که نظامیان فرانسوی را برای مقابله با جلیقه زردها به کار خواهد گرفت. وی قول داد با جلیقه‌زردها برخورد کند. ماکرون به قول خود عمل کرد و جنبش اعتراضی جلیقه زردها را که حالا دیگر به یک جنبش ضد سرمایه‌داری با خواسته‌هایی فراتر از کاهش قیمت سوخت تبدیل کرده است به شدت سرکوب کرد. بر اساس گزارش‌ها در روزهای شنبه فرانسوی‌ها به خیابان‌ها می‌آیند و تنها در شنبه اخیر بیش از ۳۰۰ هزار فرانسوی در سراسر این کشور به خیابان‌ها ریختند. گفته می‌شود نیروهای وابسته به جریان‌های راست و چپ افراطی در این اعتراضات خشونت‌آمیز مشارکت داشتند. اما ریشه این درگیری‌ها چه بوده و آینده آن چگونه پیش‌بینی می‌شود؟

راز انتخاب جلیقه زرد

جلیقه‌های زرد جلیقه‌هایی است که بنابر قانون باید در خودروهای همه فرانسوی‌ها باشد تا وقتی ماشین آنها خراب می‌شود و شرایط اضطراری پیش می‌آید، آن را بر تن کنند و منتظر کمک بمانند. عدم رعایت این قانون که در سال ۲۰۰۸ به اجرا درآمد می‌تواند به جریمه نقدی ۱۵۳ دلار برای فرد خاطی بینجامد. جلیقه زردها یادآور جریان دیگری شدند که در اکتبر ۲۰۱۳ در استان بریتانی فرانسه در مخالفت با افزایش مالیات بر ماشین‌های سنگین شکل گرفته بود. در آن زمان رانندگان و کامیون‌داران معترض نیز به «کلاه قرمز» لقب گرفته بودند. در اعتراضات اخیر نیز معترضان با پوشش جلیقه زرد به خیابان آمده‌اند.

تحلیلگران چه می‌گویند؟

جلیقه زردها می‌گویند دلایل اصلی تظاهرات، افزایش مالیات بر فرآورده‌های نفتی، افزایش قیمت سوخت و کاهش قدرت خرید است. قیمت گازوییل که عمومی‌ترین سوخت مصرفی در خودروهای فرانسه است در ۱۲ ماه گذشته حدود ۲۳ درصد افزایش داشته و به طور متوسط به ۱/۵۱یورو در هر لیتر رسیده است. دلیل این افزایش بالا رفتن قیمت جهانی نفت در ۱۲ ماه گذشته پیش از سقوط اخیر و همچنین مالیات مازادی است که دولت امانوئل ماکرون برای حمایت از کمپین خودرو سالم و سوخت سالم بر مواد هیدروکربن در سال جاری میلادی قرار داده که به ازای هر لیتر گازوئیل حدود هفت و نیم و برای هر لیتر بنزین حدود چهار سنت بر قیمت عادی سوخت افزوده است. رئیس‌جمهور فرانسه افزایش سه چهارمی قیمت نفت را دلیل اصلی افزایش هزینه سوخت اعلام کرده و افزایش مالیات سوخت‌های فسیلی را فشاری برای سرمایه‌گذاری جهت رسیدن به سوخت‌های جدید و سالم‌تر اعلام کرده است. رسانه‌های فرانسوی نارضایتی

شـورش و سـرخوردگی طبقـات کارگـری و بخش بزرگـی از طبقه متوسط شـهری تنها مختص فرانسه نیسـت و تقریبا وجه تشـابه بیشتر کشـورهای اروپایی و حتی آمریکا است که هم زمان به منازعات نژادی و طبقاتی در همـه این جوامع دامن زده است

عمومی ازعـدم رعایت عدالت اجتماعی را از دلایل کلی این اعتراضات و حمایت از آن برمی‌شمرند. افزایش مالیات سوخت از جمله برنامه‌های دولت امانوئل ماکرون بود که در اواخر ۲۰۱۷ به تصویب رسید. نتایج این سیاست با افزایش قیمت نفت در اکتبر سال ۲۰۱۸ بیشتر به چشم آمد.

تحلیلگران می‌گویند، اعتراض‌ها در فرانسه هرچند با بهانه سوخت شروع شده است اما اکنون به یک تلاش برای مقابله با سرمایه‌داری تبدیل شده است. مردم فرانسه به دنبال آن هستند تا نمادهای سرمایه‌داری را نیز به چالش بکشـند به همین دلیل مردم معترض خواستار برکناری ماکرون بوده و گروه‌های چپ در فرانسـه بار دیگر وارد کارزار شده‌اند.

به گفته تحلیلگران ریشه شکل‌گیری اعتراض‌ها در فرانسه به دلیل تنوع قومیتی و جمعیتی زیاد بوده که به همین دلیل همواره به کشـور شورش و اعتراض معروف بوده است. مهاجران از کشورهای مختلف در فرانسه گردهم آمده‌اند. یک چهارم جمعیت فرانسـه را کسانی تشکیل می‌دهند که دسـت کم طی دو نسل پیوندی مستقیم با مهاجران این کشور دارند. این مسئله به گونه‌ای است که بسیاری از ورزشـکاران فرانسه به ویژه در فوتبال اصالتا آفریقایی‌تبار هسـتند. وجود مهاجران باعث شده است که همواره پتانسـیل اعتراض وجود داشته باشد چرا که نوع برخورد با سـیاه پوستان در فرانسه به عنوان عاملی در جهت ایجاد نارضایتی تبدیل شـده است. علاوه‌بر این وضعیت اقتصادی مردم فرانسه نیز در یک سال اخیر بدتر شده است. بر اسـاس نظرسنجی «ادوکسا» بیش از ۶۰ درصد از مردم فرانسه درخصوص اوضاع اقتصادی کشور در آینده‌نگران هسـتند. این مسئله باعث شده تا مردم فرانسه نیز از افزایش بهای سوخت احساس نگرانی کنند و به خیابان‌ها بیایند. بنابر بر یک نظرسـنجی در ابتدای اعتراضات ۶۵ درصد فرانسـوی‌ها از جریان جلیقه زردها حمایت کردند. همچنین ۴۲ درصد گفته بودند در تجمع آنها شـرکت می‌کنند. یک هفته بعد از شروع این آمار بر اساس نظرسنجی مؤسسه «الب» افزایش یافت و حدود ۷۳ درصد فرانسوی‌ها از حرکت جلیقه زردها حمایت کردند. ۷۰ درصد هم گفتند دولت باید پروژه افزایش مالیات بر سوخت را متوقف کند. در این شرایط، جناح‌های مختلف فرانسه از چپ تا راست حمایت خود را از حرکت «جلیقه زردها» اعلام کرده‌اند.

نکته قابل تامل در مورد شـورش در فرانسه به نوع واکنش رسانه‌ها بر می‌گردد. در حالی که رسانه‌های غربی کوچکترین اعتراض مدنی در ایران را به عنوان یک جرقه و نماد انقلاب علیه نظام ایران معرفی می‌کند و با بزرگنمایی حوادث سعی در به راه انداختن موج اعتراض‌ها در ایران را دارند اما در مورد حوادث فرانسه این وضعت کاملا برعکس اسـت. در حالی که مردم به پشت دروازه‌های کاخ الیزه رسیده‌اند اما رسانه‌های غربی این مسئله را یک تظاهرات عادی جلوه می‌دهند. این در حالی است که نوع واکنش ماکرون به این اعتراض‌ها نشـان‌دهنده این است که وی به شدت از تشدید اعتراض‌ها هراس دارد.

در مورد اینکه جلیقه زردها در روزها و هفته‌های آینده به چه سمت و سویی خواهند رفت بین کارشناسان اختلاف نظر است. برخی معتقدند جنبش جلیقه زردها زود فروکش خواهد کرد. برخی هم می‌گویند با توجه به آشـوب‌های روزهای گذشته احتمال پیوستن حاشیه‌نشین‌ها به این جنبش، سـوار شـدن جریانات افراطی به این جنبش و گسـترده‌تر شـدن اعتراضات وجود دارد. فیگارو نیز در این باره نوشـته اسـت: «جلیقه زردها، پس از تظاهرات خود در پاریس اینک سـخنان ناهمگون و متضادی در بـارهٔ آیندهٔ جنبش خود بر زبـان می‌آورند. در حالی که برخی از سـخنگویان آنان بر اراده گفت وگو تاکید دارند و هر گونه وابسـتگی سیاسی را انکار می‌کنند و خواستار اخذ تصمیم بر اساس پیشـنهادات دولت و بررسی آنها هستند، برخی دیگر، همگان را به گردهمایی متوالی در پاریس فراخوانده و پایگاه خبری ویژه‌ای به اسم «صفحهٔ رسمی جلیقه زردها» در فضای سایبری ایجاد کرده‌اند.» یکی از سـخنگویان این جنبش، در گفت وگو با فیگارو، کسـانی را که از حالا دعوت به تظاهرات بعدی می‌کنند به سوءاسـتفاده از احساسات و مطالبات متهم می‌کند و در بارهٔ خواسته‌های اساسی «جلیقه زردها» به لغو عوارض اضافی بر مواد سوختی، بالا بردن دستمزدها و توجه بیشتر دولت به مناطق روستایی اشاره دارد.

شورش اخیر فرانسـه را می‌توان نمونه‌ای از بحرانی دانست که فرانسه همواره با آن مواجه بوده است. اکنون خواسته‌های معترضان از کاهش قیمت سوخت به استعفای ماکرون تغییر کرده اسـت. به همین دلیل طی روزهای اخیر بسـیاری از معترضان کوشـیدند تا خود را به کاخ الیزه، محل اقامت امانوئل ماکرون برسانند. درگیری‌ها در خیابان معروف شـانزه‌لیزه و کاخ الیزه که در نزدیکی آن قرار دارد در حالی اوج گرفت که معترضان تلاش کردند تا از حفاظ‌های پلیس که برای جلوگیری از ورود معترضان به محوطه مکان‌های دولتی از جمله دفتر نخست‌وزیری کار

در حالی که مردم به پشت دروازه‌های کاخ الیزه رسـیده‌اند، اما رسـانه‌های غربی این مسئله را یک تظاهرات عادی جلوه می‌دهند. این در حالی است که نوع واکنش ماکرون به این اعتراض‌ها نشان‌دهنده این است که وی به شدت از تشدید اعتراض‌ها هراس دارد.

گذاشته شده بود، عبور کنند. با اینکه «امانوئل ماکرون» با توجه به موج اعتراض‌های مردمی اعلام کردکه مالیات را لغـو خواهد کرد اما مردم دیگر به چیزی جز برکناری وی راضی نیستند.

از آنجا که سیاسـت های نئولیبرالیستی دو دهه گذشته در فرانسه به شدت حاشیه نشینان حومه‌های شـهرهای بزرگ را از متن زندگی اجتماعی و سیاسی کشور جدا کرده است، این مناطق در تمام این سال‌ها همیشـه آبستن اعتراضات خشـونت آمیزی بوده که سـاختار سیاسی این کشور هنوز هیچ راه‌حلی را برای آنهـا نیافته اسـت. پاریس و بسـیاری از دیگر کلان شهرهای فرانسـه در دو دهه گذشته همواره با پدیده شورش اقلیت‌های نژادی و مذهبی در حومه شهرهای بزرگ مواجه بوده‌اند که اوج این شـورش‌ها در سـال ۲۰۰۵ در حومه پاریس برای چند هفته سراسر کشور را در وضعیت اضطراری قرار داد. این بار اما بهانه شروع شـورش افزایش قیمت سوخت اسـت. شورش مردم فرانسه و سرخوردگی طبقات کارگری و بخش بزرگی از طبقه متوسط شهری تنها مختص فرانسه نیست و تقریبا وجه تشابه بیشتر کشورهای اروپایی و حتی آمریکا است که هم زمان به منازعات نژادی و طبقاتی در همه این جوامع دامن زده است. به نظر می‌رسد افزایش قیمت سـوخت جرقه‌ای بر آتش زیر خاکستری بود که مردم فرانسه سال‌ها در انتظار آن هستند و می‌خواهند برای بهبود وضعیت اقتصادی آنان چاره‌ای اندیشیده شود و اصلاحاتی صورت گیرد بنابر این تا زمانی که سران الیزه این خواسته‌ها را برآورده نسازند نباید انتظار پایان سریع این بحران را داشت.

منبع: بصیرت